



Paradigm analysis of the concept of maternal femininity with grounded theory method Case Study (Employees of Abfai Company, Zone 1, Tehran)

Payam Khadem Saba¹ | Mostafa Azkia² | Khadijeh Safiri | Seyfolah Seyfollahi

1. Department of Sociology, Cultural Orientation, Faculty of Human Sciences, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Email: saba.payam@gmail.com

2. Corresponding author, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Email: m-azkia@srbiau.ac.ir

3. Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, AlZahra University (S), Tehran, Iran; Email: kh.safiri@alzahra.ac.ir

4. Department of Sociology, Faculty of Humanities, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran: Email: rped_almizan@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17 August 2020;

Received in revised form:

3 December 2021;

Accepted: 22 January 2022;

Published online: 12 March 2023

Keywords:

Gender, feminism, motherhood, contextual theory, mother's role

ABSTRACT

This research is about the understanding of the femininity of motherhood and what are the factors that constructed motherhood within the scope of women's responsibilities and based on which situations and elements is it understood and what are its consequences on the everyday life of women. By using the grounded theory approach and conducting in-depth interviews with 32 people and collecting and analyzing data, four phenomena of "maternal feminization", "resistance to maternal feminization", "dominant and ideal discourse of motherhood" and "resistance against the dominant discourse of motherhood" have been emerged.

From the findings, it appears that women are expected to fulfill the role of mother completely, it is a matter constructed by structures and traditions and due to the pressure of different discourses. On the other hand, women's desire for motherhood has been understood by some as a universal phenomenon, instinctive and eternal in nature. "Dominant discourse of motherhood" calls women to comply with the ideal models of motherhood, and the approaches that oppose this discourse by moving from "motherhood" to "mothering", the central phenomenon of "multiplicity in the role of mothering" and include the pseudo-theory "emergence of fluid mothering practices"

As a result, the myth of "motherhood, a female role" is challenged and causes a shift from the approaches that consider motherhood to be purely feminine and possessing inherent originality towards the fluidity and dynamism of the construction of mothering. In this sphere of discourse, mothering is not necessarily considered feminine.

Cite this article: Khadem Saba, P; Azkia, M; Safiri, Kh; Seyfollahi, S. (2022). Paradigm analysis of the concept of maternal femininity with grounded theory method Case Study.... *Sociological Review (Social Science Letter)*, 29 (2), 305-322.

تحلیل پارادایمی مفهوم زنانه‌انگاری مادری با روش نظریه بنیانی

مورد مطالعه (کارمندان شرکت آبفای منطقه یک تهران)

پیام خادم صبا^۱ | مصطفی ازکیا^۲ | خدیجه سفیری^۳ | سیف‌الله سیف‌اللهی^۴ | ID

۱. گروه جامعه‌شناسی، گرایش فرهنگی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ رایانامه: saba.payam@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ رایانامه: m-azkia@srbiau.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران؛ رایانامه: kh.safiri@alzahra.ac.ir

۴. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ رایانامه: rped_almizan@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

این پژوهش به فهم زنانه‌انگاری مادری می‌پردازد و اینکه قرار گرفتن مادری در حیطه مسئولیت‌های زنانه بر مبنای چه عواملی برساخته و با چه وضعیت‌ها و عناصری درک می‌شود و پیامدهای آن بر زندگی روزمره زنان چیست. با بهره‌گیری از رهیافت‌های تئوری و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر و گردآوری و تحلیل داده‌ها چهار پدیده "زنانه‌انگاری مادری"، "مقاومت در برابر زنانه‌انگاری مادری" و "مقاومت در برابر گفتمان مسلط مادری" پدیدار شده‌اند. از یافته‌ها چنین برمی‌آید که انتظار از زنان برای ایفای تمام و کمال نقش مادری، امری برساخته‌شده ساختارها و سنت‌ها و ناشی از فشار گفتمان‌های مختلف است. در برابر، میل زنان به مادری کردن توسط برخی دیگر پدیده‌های جهان‌شمول، غریزی و دارای ذاتی ازلی و ابدی فهم شده است. "گفتمان مسلط مادری"، زنان را به رعایت الگوهای ایدئال مادری فرا می‌خواند و دیدگاه‌هایی که در تقابل این گفتمان قرار می‌گیرند با عزیمت از «مادر بودن/مادری» به سوی «مادری کردن/مادرانگی»، پدیده مرکزی "تکثر در نقش مادری" و شبه‌نظریه "ظهور شیوه‌های مادرانگی سیال" را دربردارند. نتیجه آن که اسطوره-افسانه «مادری، نقشی زنانه» به چالش کشیده می‌شود و ما شاهد چرخش از رویکردهایی که مادری را صرفاً زنانه و دارای اصالتی ذاتی می‌پندارند به سمت سیالیت و پویایی برساخت مادرانگی هستیم که در این سپهر گفتمانی، مادری الزاماً امری زنانه شمرده نمی‌شود.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

کلیدواژه‌ها:

جنسیت، زنانه‌انگاری، مادری، نظریه زمینه‌ای، نقش مادری

استناد: : خادم صبا، پیام؛ ازکیا، مصطفی؛ سفیری، خدیجه و سیف‌اللهی سیف‌الله؛ (۱۴۰۱). تحلیل پارادایمی مفهوم زنانه‌انگاری مادری با روش نظریه بنیانی مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۲۹ (۲)، ۳۰۵-۳۲۲.

۱. مقدمه و بیان مسئله

تعاریف مختلفی برای مادری^۱ ارائه شده است. وجه مشترک اغلب توصیفات از مفهوم مادر و مادری کردن، زنانه بودن این امر است. گاه تأکید بر زن، در نقش زاینده‌ی فرزند (مادرانگی طبیعی) و گاه به‌عنوان مراقب و پرورش‌دهنده کودک (مادرانگی اجتماعی) است و به‌طور معمول میان این دو وجه تفاوتی در نظر گرفته نمی‌شود.

نگاه ذات‌گرایانه به پدیده مادری و زنانه انگاشتن آن، تقدیس نقش مادر و هاله‌ای از قداست و راز و رمز قائل شدن برای نقش مادر در عرف، سنت، فرهنگ شفاهی و کتبی و همچنین تسری این نگاه در گفتمان‌های پزشکی، حقوقی و... مسئولیت مراقبت از کودک و پرورش او را به اصلی‌ترین وظیفه زن تبدیل می‌کند و از زنان انتظار می‌رود تا این مسئولیت را درونی کرده و آن را با رضایتی درونی به انجام رسانند. همچنین هم‌راستایی فعالیت نهادهای مدنی با این رویکرد، از آموزش‌های کودک‌پروری به دختران و زنان، تا در حاشیه قرار دادن پدران از همان مراحل اولیه بارداری (ممنوعیت حضور پدر در انجام سونوگرافی‌ها در اغلب مراکز سونوگرافی معتبر، ممنوعیت حضور پدر در اکثر مطب پزشکان زنان، عدم حضور پدر در مراحل زایمان، و مواردی از این دست) و در نظر گرفتن تسهیلاتی از قبیل مرخصی‌های زایمان، تسهیلات کاری و مالی و مرخصی‌های دانشگاهی زایمان صرفاً برای زنان، انواع کلاس‌های مادر و کودک و انتظار مدارس و کلاس‌های آموزشی از همراهی مادران و مواردی از این دست، نشان از تمایل جامعه برای زنانه نمودن تجربه مادری دارد. به‌رغم الزامات اجتماعی‌ای که مردان را از بر عهده گرفتن نقش مادرانگی دور می‌سازند، مشاهدات اولیه دلالت بر آن دارند که به‌ویژه در میان گروهی از پدران نسل جدید نسبت به پدران نسل‌های گذشته، همراهی و نزدیکی بیشتری با نقش مادرانگی دیده می‌شود.

مسئله محوری این پژوهش، بررسی چگونگی شکل‌گیری و شیوه درک و معناسازی زنان و مردان از مفهوم «مادری» - وظیفه‌ای صرفاً زنانه است و پاسخ به پرسش‌هایی از این دست که تجربه زنان از مادری چیست و انتظارات گفتمان‌های مختلف پزشکی، روان‌پزشکی، سنت، مذهب و حتی رویکرد سیاسی حاکمیت برای فراخواندن زنان به ایفای نقش مادری و انحصار این نقش به زنان چه تأثیری در تجربه زیسته مادران دارد. فشار گفتمان مسلط مادری از زنان برای رعایت الگوهای از پیش تعریف شده‌ی مادری کردن، زندگی روزمره و احساسات زنان را چگونه شکل می‌بخشد و نقش پدران در ساخت تجربه زنان از مادری محل پرسش بوده است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- پیشینه نظری

به طور کلی رهیافت‌های موجود در مورد مقوله مادری را می‌توان حول دو پارادایم کلی دسته‌بندی نمود:

الف- نگاه ذات‌گرایانه به مفهوم مادری با تأکید بر خصایص ذاتی و ژنتیکی

این رهیافت، وجود یا ساخت درون اشخاص را به منظور تبیین رفتارشان جستجو کرده و همه‌ی جلوه‌های تفاوت جنسیتی را ذاتی، فرافرهنگی و تاریخی می‌داند و همواره به تفاوت‌های بیولوژیکی بین دو جنس توجه دارد. از این منظر، عقاید فرهنگی در رابطه با زنان اغلب پیرامون ویژگی‌های بیولوژیکی و طبیعی از جمله باروری، مادری، هم‌خوابی و عادت ماهانه سوق داده شده است و زنان به‌عنوان مادران، همسران، قابله‌ها، راهبه‌ها یا فاحشه‌ها فقط در شرایط کارکردهای جنسی‌شان تعریف می‌شوند (ذکایی، ۱۳۸۵: ۷۶).

در اینجا می‌توان به گروهی از فمینیست‌های اولیهٔ موج دوم مانند سیمون دو بووار، فایرستون، کیت می‌لت، آن اُکلی، و بتی فریدان اشاره کرد که در پی حذف و انکار مادری طبیعی هستند. مادری در اندیشهٔ این گروه، به‌مثابه تجربه‌ای یکسره منفی و ناخوشایند تلقی می‌شود. شولامیت فایرستون، تفاوت نقش زنان و مردان در تولیدمثل را به نخستین تقسیم‌کار در مراحل آغازین شکل‌گیری طبقات مرتبط می‌داند و برای تبعیض میان کاست‌ها بر مبنای ویژگی‌های زیستی، الگویی به دست می‌دهد. از آن‌جا که فایرستون معتقد بود ستم بر زنان منشا زیست‌شناختی دارد به این نتیجه رسید که آزادسازی زنان مستلزم انقلابی زیست‌شناختی است. (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۲۳) فایرستون با بهره‌گیری از روند انقلاب بیوتکنولوژیک باروری، بر این باور است که مادری طبیعی می‌تواند به‌طور کامل از بین برود و چنین روندی نشان‌دهندهٔ آن است که مادری طبیعی صرفاً به‌مثابه امری پیشینی چیزی جز سرکوب زنان نیست (فایرستون، ۱۹۷۰) آرمان‌شهر فایرستون، جایی است که در آن تفاوت جنسی ریشه‌کن شده باشد. تفاوت در ظرفیت زاییدن به یاری علم محو شده و نقش بزرگ کردن بچه‌ها یا مادری کردن در جامعه را مردان و زنان به‌طور مساوی به عهده می‌گیرند. (فریدمن، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

آن اُکلی مادرانگی زیست‌شناختی را نیاز طبیعی زنان نمی‌داند و اعتقاد دارد این پدیده فراورده‌ای فرهنگی و افسانه‌ای است که به‌قصد سرکوب زنان ساخته‌وپرداخته شده است. به گفته اُکلی تعجبی ندارد که بسیاری از مادران احساس بدبختی می‌کنند و از آنجا که هرگونه اعتراف جدی به ناخشنودی از وظایف مادری برای زن به‌منزله‌ی پذیرش شکستی فردی است، این احساس بدبختی تشدید هم می‌شود. (اُکلی، ۱۹۷۴: ۱۴۲)

بتی فریدان با ارائهٔ مفهوم «رازوری زنانه»^۱ عشق مادری را به چالش می‌کشد و معتقد است که چنین عشقی صرفاً می‌تواند سازه‌ای ذهنی و پیشینی باشد که باری از حقیقت ندارد (فریدان، ۱۳۹۲). بررسی‌های او در مورد هزاران زن نشان داد که این احساس دوگانگی و ناراضی حاصل از آن در بسیاری از زنان خانه‌دار وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

نقطه‌نظرها و مطالعاتی که مادری را با تکیه بر وجه ذاتی و پیشینی خود مثبت، مقدس و متعالی تلقی می‌کنند نیز در زمره رهیافت ذات‌گرایانه قرار می‌گیرند. در تمام این روایت‌ها، مادرانگی و نقش زنان در مادری نمی‌تواند تغییر بنیادینی داشته باشد؛ بلکه یا باید به‌طور کامل کنار برود و یا در تمام وجوه خود پذیرفته و ارزشمند تلقی شود.

ب- نگاه برساخته بودن^۲ ویژگی‌های مادری:

نظریات کنش متقابل اجتماعی^۳ در حوزه‌ی جنسیت و نیز رهیافت‌های جدیدتر از جمله دست‌یابی مدیریت شده^۴ (گارفینگل) (مشیرزاده، ۲۰۰۳: ۱۵۸) استناد جنسی^۵ (کسلر و مک‌کنا، ۱۹۷۸) عمل به جنسیت^۶ (وست و زیمرمن، ۱۹۹۱) نمایش جنسیت^۷ و نظریه‌ی کوئیر^۸ (باتلر، ۱۹۹۰) میل به مادری در زنان را هم‌ردیف دیگر ویژگی‌های زنانه، برساخته‌ی اجتماع و ساختارها و تعاملات اجتماعی دانسته‌اند و با تأکید بر فرایندها و الزامات اجتماعی ساخته شدن جنسیت، مادری را نیز حاصل فرایندی می‌دانند که زنان را زن (مادر) می‌سازد و آنان را همچون الگویی از پیش تعیین شده -مانند بسیاری دیگر از ویژگی‌های مسلط نظام جنسیت برای ایفای نقش مادری- ملزم و علاقه‌مند می‌سازد.

1. The feminine Mystique
2. Constructed
3. Social interactionist theory
4. Managed achievement Gender
5. Gender attribution
6. Doing gender
7. Gender Performance
8. Queer Theory

از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ تلاش‌های گروهی از فمینیست‌ها مثل آدرین ریچ، ننسی چودورو، دوروثی دینرستین، و سارا رودیک در آمریکا؛ مری اُبرین، جولیت می‌چل در انگلیس؛ لوس ایریگاری، هلن سیکسو و ژولیا کریستوا در فرانسه، بر چگونگی شکلگیری مادری و ارائه راهکارهایی برای بهبود و اصلاح مادرانگی معطوف شد (جرمیا، ۲۰۰۶). آدرین ریچ، شاعر و نظریه‌پرداز فمینیست در کتاب خود «از زن زاده شدن»^۱ چنین استدلال می‌کند که سلطه‌ی جنس مذکر بر حوزه پزشکی و فناوری است که تولیدمثل را به یکی از حوزه‌های سرکوب بدل کرده است. او بین نهاد اجتماعی مادری، که شالوده کنترل مذکر و سرکوب زنان در موقعیت‌های سیاسی اجتماعی مختلف بوده است و تجربه‌ی مادری که برای زنان چه‌بسا هم لذت‌آفرین و هم قدرت‌بخش باشد، فرق می‌گذارد (فریدمن، ۱۳۸۱:۱۱۴).

از منظر کریستوا بدن مادرانه همچون ابژه‌ای است که پتانسیل قدرتی بی‌بدیل را دارا است و کارکردی یگانه دارد که قادر است تجربه‌ی مادری را به کارکردهای اجتماعی متصل کند و راه را برای شکوفایی زنان بگشاید (مک‌آفی، ۱۳۸۵:۱۵۶-۱۶۰). در رویکردی دیگر، سارا رودیک از مفهوم **تفکرات مادرانه**^۲ نام می‌برد و به مادری به‌مثابه امری رابطه‌ای می‌نگرد. او با تصریح اینکه مادری همچون یک شغل، بالاترین شیوه‌ی تعامل را دارا است، با خلق مفهوم «عشق جایگزین ۳» از آن نام می‌برد (رودیک، ۱۹۸۹).

باتلر در بستری پس‌اساختارگرایانه، **نمایش جنسیت** را به تمام افعالی که به یک جنس مشخص نسبت داده می‌شود و شخص آن را به‌صورتی غیرارادی اجرا می‌کند، تسری می‌دهد. به نظر او و در سایه‌ی نظریه کوئیر مادرانگی همچون دیگر نموده‌های هویت جنسیتی، به‌عنوان یک کنش اجرایی دیده می‌شود و سوژگی مادرانه مفهومی ایستا نیست، بلکه به‌طور متناوب برساخته می‌شود، یا به اجرا درمی‌آید. باتلر واژه **"مادری نمایشی"**^۴ را به کار می‌برد، یعنی برای مادر بودن باید مادری کردن را نمایش داد. چنین برداشتی از مادری کردن، ایده‌ی مادر به‌مثابه اصلی‌گریزی را به چالش می‌کشد (جرمیا، ۲۰۰۶).

می‌توان گفت نظریات فمینیست اسلامی و طیف تجددگرایان دینی که با خوانشی نوین از مفاهیم دین، خواهان برابری نقش‌ها، مشارکت مردان در فعالیت‌های خانگی و نفی مدیریت مرد بر خانواده هستند نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

در نهایت می‌توان اشاره کرد که رویکردهای برساختگرایانه به جنسیت، به ویژه از زاویه‌ای که با مرکزیت‌زدایی از مفاهیم ذات‌انگاره در رابطه با مادری باعث تردید در مفهوم مادری زنانه شده و در مطالعات مادری داخل ایران نیز کمتر به آن پرداخته شده است به‌عنوان پشتوانه نظری پژوهش قرار گرفته‌اند. با افزایش حساسیت نظری و برجسته شدن تاثیر هژمونی کلیشه‌های جنسیتی بر زندگی مادران، پرسش‌ها بیشتری مطرح و درک مفهومی عمیق‌تری فراهم شد.

۳. پیشینه تجربی

در سال‌های اخیر مطالعات تجربی زیادی حول مفهوم مادری و کارکردهای آن در داخل و خارج از ایران انجام شده است. در پژوهش‌های داخلی، می‌توان به نوشتار صادقی با عنوان «چالش فمینیسم با مادری» اشاره نمود. رویکردی انتقادی به دیدگاه‌های فمینیستی نسبت به نقش مادری که آن را با سرکوب زنان به‌واسطه گفتمان مردسالارانه یکی کرده‌اند. وی برای برون‌رفت از این گفتمان افراطی فمینیستی، مردان را دعوت به توسعه فرآیند مادری^۵ از طریق مشارکت داوطلبانه در اعمالی همچون؛ پرورش و

1. Of woman born
2. Maternal thinking
3. Alternative Love
4. Performative mothering
5. Mothering Process

نگهداری نوزاد یا کارهای مربوط به منزل که با واژه زن عجین گشته است، می‌نماید. (فسایی، ۱۳۸۴) ذکایی و قاراخانی زنانگی را امری برساخته تلقی می‌کنند و نشان می‌دهند که زنانگی و ارزش‌های آن برحسب شرایط اجتماعی و اقتصادی، صورت‌های مختلفی می‌گیرد. بر همین اساس، همبستگی با چنین ارزش‌هایی برحسب شرایط تعیین می‌شود و مقوله‌ای از پیش تعیین شده نیست.^۱ (ذکایی، قاراخانی، ۱۳۸۵) میرزائزاد و اعزازی «بررسی تجربه مادری در میان زنان جوان» را موضوع پژوهش خویش قرار داده‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد تجربه مادری، تجربه‌ای متنوع است و بسته به اینکه در چه شرایطی تجربه شود، احساسات متفاوتی به وجود می‌آورد. اکثر زنان پژوهش مذکور، اعتقاد داشتند میان تصور آن‌ها از مادر شدن و آنچه در واقعیت تجربه کردند، شکاف بسیار عمیقی وجود دارد. آن‌ها همچنین مادری را قدرتی زنانه می‌دانستند که به ایجاد احساس امنیت و حضور آن‌ها در عرصه عمومی کمک می‌کند. (میرزائزاد، اعزازی، ۱۳۸۸) در پژوهش‌هایی دیگر، مادری مدخل ورود به حوزه‌های متفاوتی بوده‌است. برای نمونه در پژوهشی با بررسی جامعه‌شناختی ورود زیست‌فناوری‌های باروری به مقوله مادری، مادری را به سه گزاره «مادری اجتماعی»^۲ «مادری بیولوژی»^۳ و «مادری ژنتیک»^۴ تقسیم و هریک را در حوزه‌ی خاص خود بررسی کرده‌اند. (امیرمظاهری، شریفی، ۱۳۹۰) در بررسی سیاست‌های زنانه‌ساز مادری می‌توان به پژوهش خالد و دلاوری اشاره کرد آن‌ها باور به قداست و جایگاه ویژه‌ی نقش مادری را برای زنان مثبت انگاشته‌اند. ایشان برای اصلاح وضعیت نگرش متوسط و معمول و حتی بی‌انگیزگی برخی دختران نسبت به مادری، اجرای یک سری برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی مشوق و سیاست‌گذاری‌های شایسته در زمینه‌ی اشتغال و تحصیلات مادران را لازم دانسته‌اند تا نگرش مثبت به نقش مادری و جایگاه و اهمیت و اولویت آن در میان زنان احیا شود. (رستگار، دلاوری، ۱۳۹۱)

۴. روش‌شناسی پژوهش

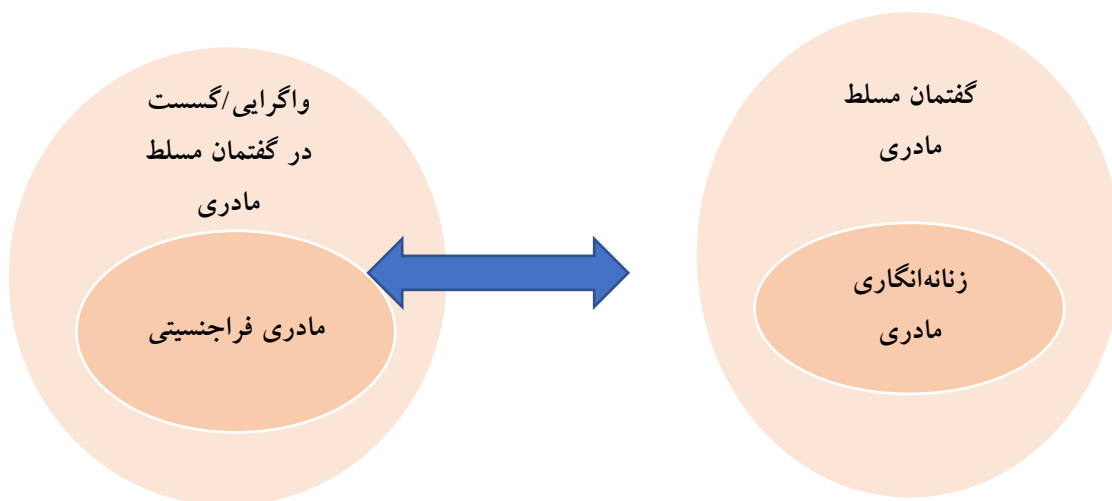
روش پژوهش حاضر کیفی و بر پایه رهیافت نظریه مبنایی است. در این پژوهش با شانزده زوج به‌صورت مجزا (فردی) مصاحبه‌های عمیق صورت پذیرفت. نمونه‌ها به‌صورت هدفمند و با توجه به ویژگی خاص و نگاه متفاوتشان به مقوله مادری انتخاب شدند. کدگذاری‌ها به صورت «رفت و برگشتی» پس از انجام هریک از مصاحبه‌های دیگر تکمیل شد. همچنین انجام مطالعات میدانی چهارماهه در کشور آلمان و نیز حضور مستمر در سلسله نشست‌های «مطالعات مادری» انجمن جامعه‌شناسی و انجام مصاحبه‌های غیررسمی با برخی پزشکان، مدرسان و اعضای کارگروه تدوین لایحه حمایت از خانواده، منجر به افزایش حساسیت نظری پژوهشگر شد و در طی روند مراحل سه‌گانه کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) مقولات نهایی حاصل آمدند.

۵. یافته‌های پژوهش

از خلال بررسی مصاحبه‌ها و دیگر مشاهدات ابتدا ۱۳۸ مفهوم استخراج که در بررسی دقیق‌تر در ۶۸ مقوله دسته‌بندی شد. این مقولات دو طیف را شکل بخشیدند. در طیف اول از یک‌سو، پذیرش کامل مادری به‌عنوان نقشی زنانه را شاهدیم (مادری زنانه) که با الگوی مادر سنتی همخوانی دارد و در سوی دیگر مقاومت در برابر زنانه‌نگاری این نقش را مشاهده می‌کنیم (مادری فرا جنسیتی). در واقع برحسب بررسی جنبه‌های مختلف نقش مادری، هر دو دیدگاه به میزان شدت و ضعف متفاوت در اکثریت مصاحبه‌شوندگان دیده می‌شد. بررسی عمیق‌تر مقولات نشان داد که دو پدیده قبلی خود بخشی از پدیده‌های عمده‌تر و بزرگ‌تری هستند که آن دو را

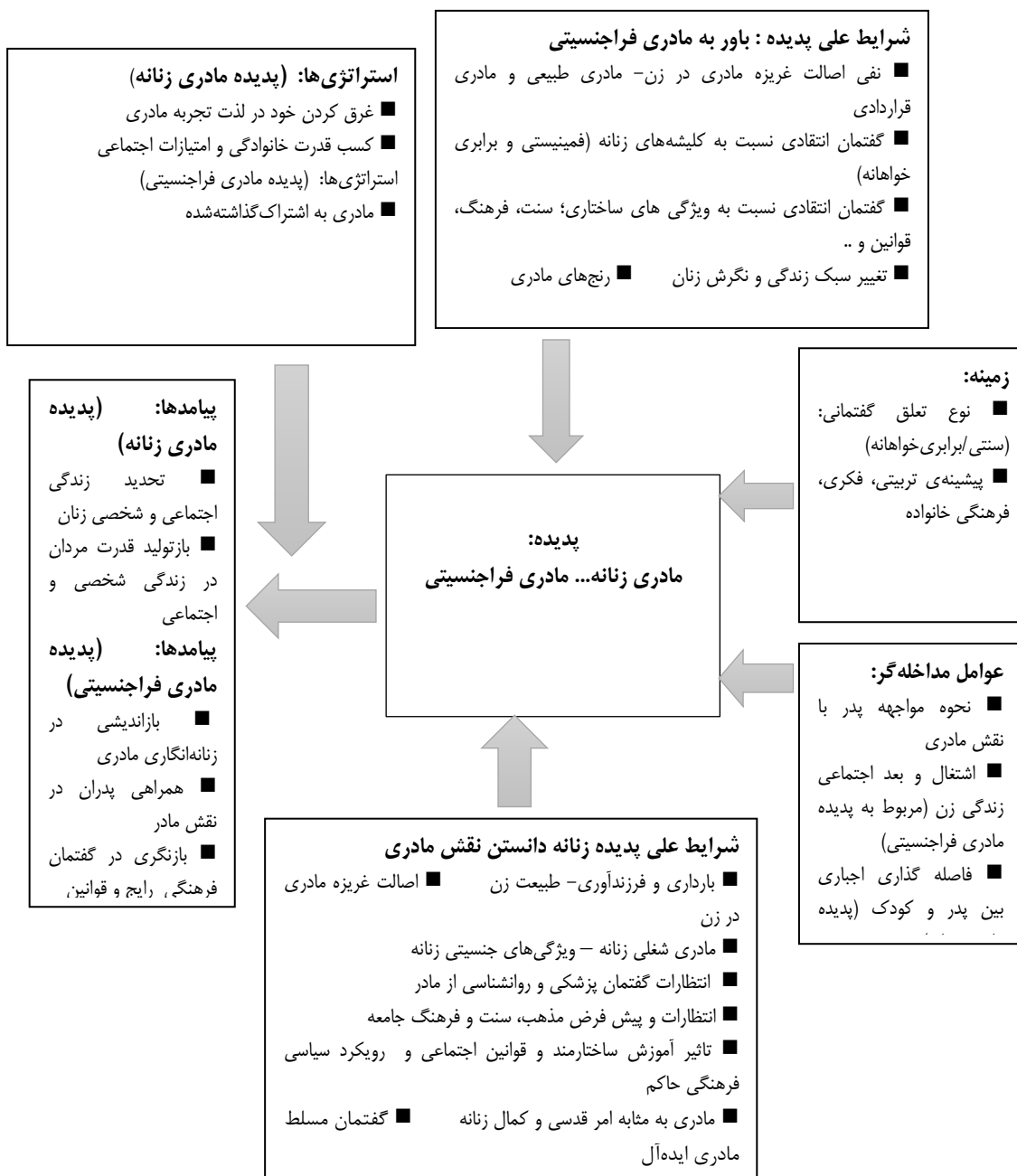
1. Anti Essentialism
2. Social Mothering
3. Biologic Mothering
4. Genetic Mothering

نیز بر مبنایی طیف‌گونه در نظر گرفتیم. طیفی که یک سرش «گفتمان مسلط مادری» و در انتهایش «واگرایی/گسست در گفتمان مسلط مادری» قرار دارد. وجه زنانه‌محور بودن مادری و یا مادری فرا جنسیتی، هر دوی بخشی از همین دو پدیده‌ی کلی‌تر هستند، به نحوی که از لحاظ شرایط علی و زمینه‌ای و مداخله‌گر، نزدیکی‌ها و مشابهت‌های زیادی میان آن‌ها دیده می‌شود. در تحلیل نهایی، پدیده‌ی مرکزی «تکثر در مفهوم مادری» - شکل ۱- تمام خرده‌مقولات پژوهش را در خود جای داد و در نهایت ما را به ظهور شبه‌نظریه "شبه‌های مادرانگی" رهنمون شد.



شکل ۱. پدیده‌ی مرکزی: تکثر در مفهوم مادری

تلاش شد که در دسته‌بندی مقولات، مفاهیم بدیهی نیز گنجانده شوند. از آن جهت که بدیهیات به‌رغم جایگاه مستحکم و پذیرفته‌شده‌شان در تبیین، دارای معانی و تأویل‌های متفاوت و بعضاً متضادی هستند. برای نمونه، شیردهی به فرزند با آنکه از نگاهی، اوج لذت مادرانه و ناشی از وجود غریزه‌ی مادری در زن توصیف می‌شود اما در تجربه‌ای دیگر، ناخوشایند و دردسرساز و از نشانه‌های فشار جامعه‌ی مردسالار توصیف می‌شود و یا در توصیف تجربه‌ی مادری برای زنان طیف گسترده و پر چالشی از «موهبتی الهی» تا «نفرتین ابدی» را شاهد بودیم.



شکل ۲- الگوی پارادایمی طیف دو پدیده: "مادری زنانه/ مادری فراجنسیتی (سیالیت انگاره‌های جنسیتی مادری)

۵-۱- بررسی طیف دو پدیده‌ی "زنانه‌انگاری مادری/فراجنسیتی بودن مادری (شکل ۲)

شرایط علی:

در بررسی شرایط علی مقولاتی یکسان که با دو زاویه نگاه متفاوت در شکلگیری پدیده‌های متفاوت (دو سر طیف) تاثیرگذار بودند در کنار هم و تحت یک سرفصل توصیف شده‌اند تا تفاوت‌های تجربیات و احساسات مادران از موضوعات یکسان، بهتر دیده شود.

الف- فرزندآوری: طبیعت زن: ارتباط بدیهی بارداری، زایمان و شیردهی با طبیعت زن از اصلی‌ترین دلایل زنانه‌انگاشتن مادری است؛ به این معنا که این امر منجر به تصور پیوندی خاص میان مادر و کودک می‌شود و جایگاهی منحصر به فرد را برای مادر ایجاد می‌کند که علاوه بر تغذیه با شیر مادر، موارد کلی‌تر: خوابیدن کودک در کنار مادر و نیاز مدام نوزاد به آغوش او، وابستگی کودک به صدای مادر، نیاز به شنیدن صدای قلب مادر و... را شامل می‌شود.

در نقطه مقابل، برخی زنان به دشواری انجام وظایف مادری به واسطه مشکلات جسمی و روحی ناشی از بارداری و زایمان اشاره می‌کردند. یعنی نه تنها بارداری و زایمان را دلیلی بر مسئولیت مراقبت مدام و تغذیه و خواباندن و آرام کردن نوزاد نمی‌دانند بلکه مشکلات ناشی از آن را علتی برای نیاز به استراحت بیشتر مادر و فاصله گرفتن او از انجام وظایفش می‌دانستند.

ب- اصالت غریزه مادری: در نظرات کسانی که بر زنانه‌انگاری مادری تأکید دارند، باور به اصالت غریزه مادری جایگاه ویژه‌ای دارد. با این استدلال که تمایل به مادری به مثابه غریزه در وجود زنان نهادینه شده است و باعث می‌شود ایفای این نقش صرفاً در توان و حوصله زنان باشد نه مردان. به عنوان نمونه چنین گفته می‌شود: «مادری، یک پتانسیل و حسی بالقوه در وجود زن است که از قبل وجود دارد و با پرورش کودک به ظهور می‌رسد».

در سویه مقابل و در شکل‌گیری پدیده: "فراجنسیتی بودن مادری" نفی اصالت غریزه مادری و گفتمان انتقادی نسبت به کلیشه‌های زنانه باعث شده تا برخی نسبت به آن موضع انتقادی بگیرند. در نگاهی معتدل‌تر، بر کارکردی بودن غریزه مادری تأکید می‌شود "غریزه مادری بیشتر یک کارکرده تا یک حس ذاتی. کارکردی که توجیه می‌کند همه کارهای سخت بچه رو مادر باید انجام بده و غر نزنه»

ج- ویژگی‌ها و خصلت‌های رفتاری زنانه و مردانه: در خصوص وظایف مادری، همان توجیهاتی که در رابطه با تقسیم کار جنسیتی در زندگی مشترک به کار می‌رود، اینجا هم مورد تأکید قرار می‌گیرد. یعنی چون بچه‌داری و مراقبت از کودک جزو وظایف درون خانه تلقی می‌گردد، پس مانند دیگر کارهای مشابه خانه‌داری، در حیطه مسئولیت و حوصله زنان است. از طرفی حساسیت نگهداری از کودک که توجه و ظرافت خاصی را می‌طلبد تأکید بر زنانگی این نقش را چند برابر کرده است. به تعبیری "مادری اساساً شغلی زنانه است".

تأکید بر ویژگی‌های سلبی مردانه، مانند سر به هوایی، حواس‌پرتی، سهل‌انگاری، بی‌احساسی، کم‌حوصلگی و عدم توانایی برقراری ارتباط کودکان در توانایی نگهداری از کودک به کمک این رویکرد می‌آید.

در شکل‌گیری پدیده آن‌سوی طیف یعنی "مادری فراجنسیتی"، گفتمان انتقادی نسبت به کلیشه‌های نقش‌پذیری جنسیتی زنانه را شاهدیم. این انتقادهای را می‌توان در چند دسته تفکیک نمود:

اول - نظراتی که خاستگاهشان دانش انتقادی گفتمان فمینیستی است و تفکیک جنسیتی نقش‌ها را عموماً ناشی از سلطه نظام مردسالاری می‌داند که فعالیت زن را به کار خانه محدود می‌کند.

دوم - ارجاع به توانایی‌های بهتر فیزیکی و روانی مرد در انجام بعضی کارهای مرتبط با کودک به واسطه قدرت بدنی بیشتر و داشتن دستانی بزرگتر. کارهایی مانند حمام کردن، شستن و تعویض پوشک، در آغوش گرفتن، بلند کردن کودک، بازی‌های فیزیکی و ... یا اشاره به پوشش آزادتر مردان که امکان انجام کارهای کودک در بیرون از خانه را برای پدر آسان‌تر می‌کند.

سوم - تاکید بر اینکه مادری در اثر آموزش و تکرار در زنان تبدیل به مهارت می‌شود و نه به واسطه خصلت‌های ذاتی زنانه و یا غریزه مادری. مثال‌هایی در این باره؛ کلاس‌های آموزشی مراقبت از نوزاد در دوران بارداری، نحوه شیردهی و برخی آموزش‌های سنتی خانوادگی است. آموزش‌هایی که "می‌تواند معجزه کند و از پدران نیز مادر بسازد".

د- فشار گفتمانی، ویژگی‌های ساختاری: گفتمان‌های فرهنگ، سنت، مذهب، پزشکی و روان‌پزشکی، قوانین جامعه و رویکرد سیاسی حاکم در ترغیب به مادری زنانه تأثیرگذار است. گفتمان مذهب با قدسی‌سازی نقش مادر علاوه بر اینکه مادری را مرحله کمال روحی و معنوی زن می‌داند، زنان را به ایفای نقشی فداکارانه با از خودگذشتگی مطلق ترغیب می‌کند که لایق آن حرمت قدسی باشند. [۱۹]. گفتمان سنت از ابتدای تولد با تمایزبخشی در تربیت کودکان دختر و پسر، جهت‌بخش نقش‌ها و تقسیم‌کار جنسیتی است. دختران در نگهداری از فرزندان کوچک‌تر مشارکت داده می‌شوند و پسران بیشتر به انجام وظایف بیرون از خانه تشویق می‌شوند. از طرفی الگوپذیری دختران از مادران و پسران از پدران و بازنمایی این الگوها در انواع مدیا منجر به بازتولید این کلیشه‌ها می‌شود. گفتمان پزشکی و روان‌پزشکی با اصرار بر تغذیه با شیر مادر، نکوهش حتی یک وعده تغذیه کودک با شیر خشک، تأکید بر آرامش کودک از شنیدن صدای قلب مادر و نیاز به تماس فیزیکی مدام با مادر، وظایف جدید ناشی از توجه به مسائل روانی کودک مانند انواع بازیهای هدفمند برای رشد شخصیت و روان کودک، حامل فشاری بر زنانی‌اند که به تنهایی مسئول پروراندن جسم و روح کودک هستند.

گرایش غالب در آموزش ساختارمند، قوانین اجتماعی و رویکرد سیاسی جامعه، انحصار زنان در خانه و اولویت وظایف خانه‌داری و مادری برای آنان است. در تدوین قوانین هم ارجحیت فضای درونی (خانه) نسبت به فضای بیرونی (اجتماع) برای زنان مشهود است و در قالب امتیازات و حقوق حمایتی (لایحه حمایت از خانواده) همانند مرخصی کاری و تحصیلی زایمان، مرخصی شیردهی، ساعت کاری کمتر برای زنانی که فرزند زیر ۷ سال دارند، مرخصی مادران شاغل در روزهای تعطیلی مدارس بابت آلودگی هوا، پرداخت هزینه مهد به مادران و بروز می‌یابد. این تسهیلات نه تنها در درازمدت بر وجه اجتماعی زندگی زنان تأثیر خواهد گذاشت (از جمله ترجیح استخدام نیروی کاری مرد نسبت به زن، عدم تفویض شغل‌های حساس و پست‌های مدیریتی به زنان - مادران) بلکه در وجه خانوادگی نیز منجر به فاصله‌گذاری بیشتر مردان با نقش مادری می‌شود. به عبارت دیگر، کارکردهایی چنین ملموس و رویت‌پذیر رفته‌رفته به فرهنگ خانواده‌ها راه پیدا کرده و به زنانه انگاری نقش مادری منجر می‌شوند و در خردترین سطوح کنشی بازتولید می‌شوند.

ه- رنج‌های مادری: موهبتی قدسی یا نفرینی ابدی

بیشتر مادران، سختی‌های مادری (از دردهای جسمانی زمان بارداری و شیردهی گرفته تا بی‌خوابی‌ها و خستگی‌ها و اضطراب‌های همیشگی برای فرزند) را نشانی از جایگاه والای مادری برای زن و کمال زنانگی و موهبتی می‌دانند که زن را شایسته جایگاهی قدسی می‌سازد.

برخی دیگر با تاکید بر رنج‌های مادری نگاه انتقادی و سلبی به رویکرد زنانه انگاری مادری دارند و انگاره تقدیس مادری را حربه‌ای مردسالارانه توصیف کردند. از جمله رنج‌هایی که با بیان مختلف تکرار می‌شد، احساس طردشدگی و نادیده گرفته شدن مادر در جایگاه یک انسان بود. گویی با مادر شدن، زن در موجودیت خویش کاملاً از مرکزیت می‌افتد و دردها و مشکلات او عادی تلقی شده و صرفاً نوزاد اهمیت انسانی دارد. یکی از مادران می‌گفت "تا قبل از اینکه پسرم به دنیا بیاد خودم بچه لوس مامانم بودم و شوهرم هم خیلی بهم توجه می‌کرد، ظرف یک‌شب انگار تبدیل شدم به یه روح که اصلاً دیده نمی‌شدم. همه فقط حواسشون به بچه بود. مثل یه گاو شیرده بودم که سر ساعتی خاص بچه رو میاوردن و بیدارم می‌کردن و با هر حالی که بودم و هر دردی که داشتم باید بچه رو شیر می‌دادم". علاوه بر دردهای جسمی و روحی ناشی از بارداری، زایمان و شیردهی، پیامدهای بدن مادرانه مطرح شده است. پیامدهایی همچون چاقی و بزرگی و افتادگی شکم، ترک‌های پوستی، شکستگی پوست صورت، پوسیدگی دندان‌ها، ضعف بینایی، خمیدگی پشت، ریزش موی سر بعد از زایمان، نداشتن فرصت برای ورزش و رسیدگی مناسب به‌ظاهر و بدن، عدم امکان رعایت رژیم لاغری به دلیل شیردهی به نوزاد و بعدها نیز به دلیل الگو قرار گرفتن مادر در تغذیه کودک، کوتاه نگه داشتن مو به دلیل فرصت محدود رسیدگی، دردناکی و جوش نخوردن مناسب و گاه عفونت بخیه‌ها، اجبار به تحمل درد به دلیل منع استفاده از مسکن در دوران شیردهی، تجمع شیر و به‌اصطلاح گوله شدن شیر در سینه و دردناکی آن، افتادگی و بدفرمی سینه‌ها در اثر بارداری و شیردهی و اجبار در استفاده از لباس‌زیر مخصوص شیردهی و.. از سوی دیگر با توجه به تغییرات جامعه و هژمونی صنعت مد و زیبایی، رعایت و حفظ استانداردهای لاغری و زیبایی فشار روانی زیادی برای مادران نسل جدید ایجاد کرده که چنین فشاری در نسل‌های قبلی مادران وجود نداشت.

عوامل مداخله گر

فضای عمدتاً زنانه مطب‌های زنان و زایمان و دشواری حضور پدر در جلسات معاینه، سونوگرافی و حتی هنگام زایمان، اختصاص کلاس‌های مراقبت از نوزاد و آمادگی زایمان فقط برای مادران و عدم الزام حضور و همراهی پدران، کلاس‌های آموزشی مادر و کودک، استخر مادر و کودک، جلسات مادران در مدارس و موارد مشابه منجر به "**فاصله گذاری اجباری اجتماعی بین پدر و کودک**"، فاصله احساسی پدر و کمتر شدن امکان همراهی پدر با مادر و کودک و کم شدن حس مسئولیت نسبت به فرزند در مردان می‌شود.

"**اشتغال و بعد اجتماعی زندگی**" همچون عاملی مداخله‌گر در شکل‌گیری پدیده مادری فراجنسیتی عمل می‌کند. فعالیت زنان در جامعه و حضور غیر تمام وقت در منزل، به ناگزیر بخشی از وظایف مادرانه را از حیطة زنان خارج و به انحاء مختلف توزیع می‌کند. همچنین "**نحوه مواجهه پدر با نقش مادری**" و همراهی یا عدم همراهی پدر با این نقش به واسطه پیشینه تربیتی یا نوع تعلق گفتمانی وی چون عاملی تسهیلگر/محدودگر در شکل‌گیری پدیده‌های مادری زنانه یا مادری فراجنسیتی عمل می‌کند.

استراتژی‌ها

"**غرق کردن خود در لذت تجربه مادری، ارتقاء جایگاه قدرت در خانواده، و کسب امتیازات اجتماعی**" از استراتژی‌های مرتبط با پدیده مادری زنانه است. برخی مادران سختی‌های مادرانه را به جان می‌خریدند و این مسئولیت یکه و بی‌رقیب را لذت بی‌همتای مادری تعبیر کرده و دوست نداشتند حتی بخشی از این لذت را با شخصی دیگر (همسر، مادر و ..) شریک شوند و همچنین معنقد بودند با در انحصار داشتن تعامل با فرزند می‌توانند قدرت بیشتری در بستر زندگی خانوادگی کسب کنند. یا به

ازای ایفای وظایف مادری، از انجام دادن برخی از وظایف معاف شوند و همسر و دیگر اعضای خانواده هم همراهی بیشتری نشان می‌دهند و همینطور در جامعه هم از مراقبت‌هایی مثل ارجحیت در عبور از خیابان، صندلی اتوبوس و مترو، همراهی و تعجیل دادن مادر همراه کودک در صف‌های بانک و خرید و ... برخوردار می‌شوند.

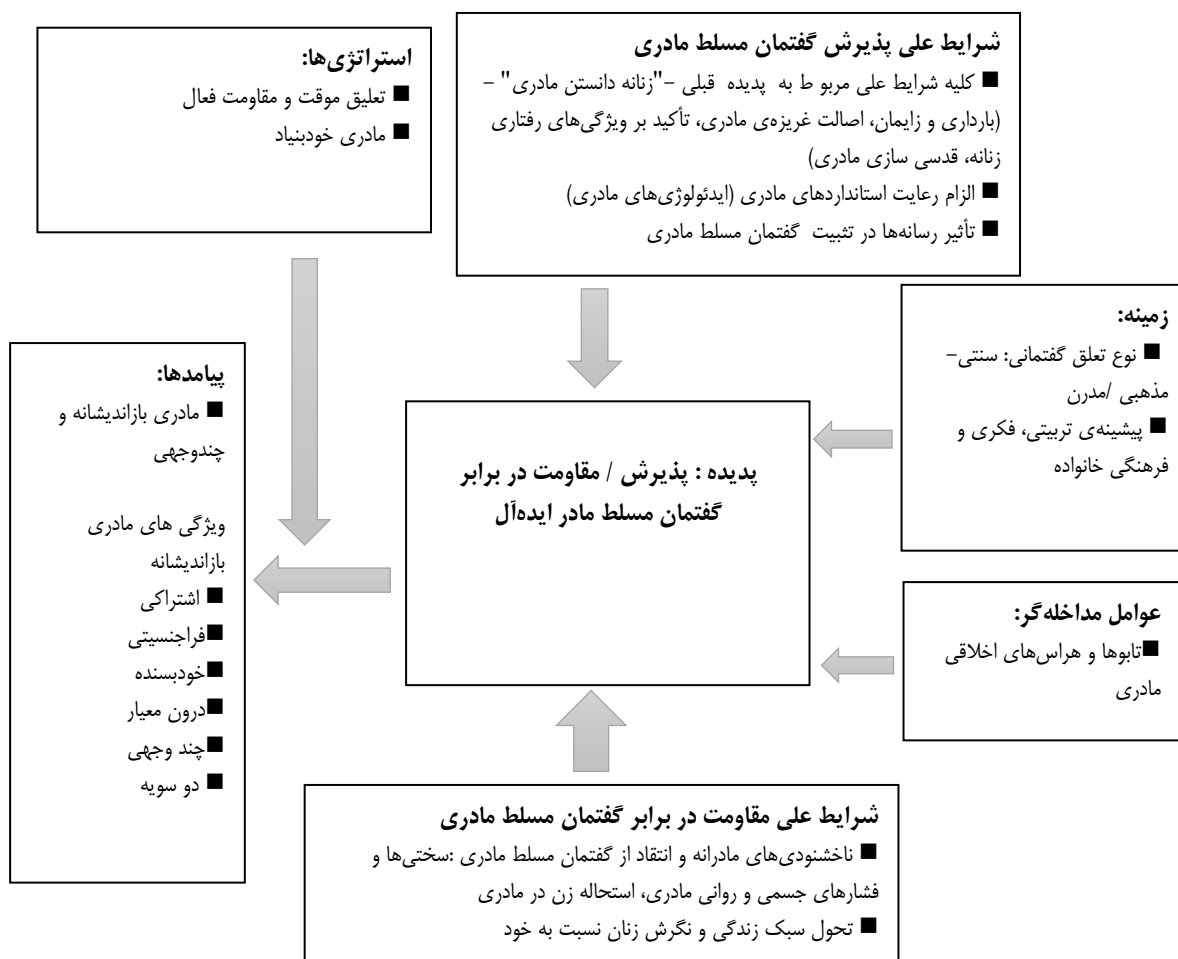
" مادری به اشتراک گذاشته شده " استراتژی مرتبط با پدیده مادری فراجنسیتی است. گروهی از مادران با اعتقاد به تقسیم وظایف مادری با همسر و کمک گرفتن از اقوام، دوستان، پرستار بچه، مهد کودک و همچنین استفاده از امکانات مدرن مادری از قبیل بیبی فون^۱، گهواره برقی تاب دهنده، سایت و کانال‌هایی که در آن لالایی یا قصه کودکانه پخش می‌شود، راهکاری مناسبی برای اشتراک مسئولیت‌ها و تحقق پدیده مادری فراجنسیتی یافته‌اند. هرچند در صورت به‌کارگیری این استراتژی، عموماً وظیفه هماهنگی، رفت‌وآمدها و حتی تأمین هزینه‌های جانبی در شمار مسئولیت مادران شاغل خواهد بود.

پیامدها

گروهی از مادران معتقدند وظیفه سنگین و تمام‌وقت مادری به **تحدید زندگی اجتماعی و شخصی زنان** منجر شده و آنان فرصتی برای فعالیت‌های اجتماعی و علایق شخصی خود ندارند و هویت‌شان صرفاً در همان نقش مادرانه خلاصه می‌شود. همچنین هرگاه مردانی که از انجام مسئولیت‌های مادرانه رویگردان باشند، فراغت‌بال ذهنی و فرصتی بیشتر برای پرداختن به علایق شخصی و ارتقاء شغلی و زندگی اجتماعی خود خواهند داشت و **قدرت مردان در سطوح خانوادگی و اجتماعی** بازتولید می‌شود.

در سویه دیگر طیف به عنوان پیامدهای پدیده مادری فراجنسیتی می‌توان به **"بازنگری در زنانه انگاری مادری"** اشاره کرد. همسو با این تغییرات، **"همراهی پدران در نقش مادران"** را بسیار بیشتر از پیش شاهدیم. پدران امروزی نزدیکی بیشتری با کودک و همراهی با وظایف مادرانه نسبت به نسل پیش از خود دارند و در نهایت **"بازنگری در گفتمان فرهنگی رایج"** را می‌توان از پیامدهای مهم این پدیده برشمرد.

۱. دستگاهی که به وسیله آن می‌توان صدا یا تصویر کودک را از فاصله زیر نظر داشت.



شکل ۳- الگوی پارادایمی طیف دو پدیده: "پذیرش / مقاومت در برابر گفتمان مسلط مادر ایده‌آل"

۵-۲- بررسی طیف دو پدیده "پذیرش / مقاومت در برابر گفتمان مسلط مادر ایده‌آل":

در پدیده گفتمان مسلط مادر ایده‌آل با طیفی روبرویم که در یکسر پذیرش گفتمان مسلط مادری و در سر دیگرش مقاومت و یا گسست گفتمانی قرار دارد. در این پدیده، علاوه بر زنانه بودن مادری، با الگوهایی از پیش تعیین شده مواجهیم که یا ضمنی و عینی در جامعه وجود دارد، یا سینه به سینه یا از مجراهای مدرن آموزش داده می‌شود. استانداردهایی که با فشار گفتمان‌های متعدد پزشکی، روان‌شناسی، سنت، عرف، مذهب و... از مادران انتظار دارد مطابق آن رفتار کنند. (ایدئولوژی‌های مادری)

ویژگی‌های گفتمان مسلط مادری

این ویژگی‌ها عبارتند از:

تک وجهی، یک‌سویه و معطوف به فرزند: در الگوی ایده‌آل مادری که از سوی سنت، نگاه فرهنگی حاکم و به پشتوانه‌ی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، حمایت می‌شود بزرگ‌ترین رسالت زن، مادری و تربیت فرزندی سالم و صالح است و ارجح این است که مادر از خواسته‌ها و علایق شخصی خود بگذرد و صرفاً پرورش کودک و خواست او را در اولویت قرار دهد. این نوع رفتار تحت عنوان

فداکاری و ایثارگری‌های مادرانه آن‌قدر ارزشمند تلقی می‌شود که بسیاری مادران در ابراز آن اغراق می‌کنند تا در این رفتار از همدیگر پیشی بگیرند.

برون معیار: در این گفتمان، معیارهای لذت مادرانه و نحوه‌ی مراقبت یا تربیت فرزند همچون بسته‌های از پیش تعیین شده‌ای آماده و به زنان ارائه شده و اجرای آن از مادران مطالبه می‌شود. از معیارهای ویژگی‌های ظاهری کودک مانند: سلامت، تمیزی، آراستگی، تپل بودن گرفته تا ویژگی‌های رفتاری مانند: مؤدب و ساکت بودن، آموزش‌پذیر بودن و داشتن مهارت‌های متعدد و گذراندن کلاس‌های مختلف. در این معیارها به‌ندرت تأکیدی بر شادابی و سرزندگی و رشد شخصیتی مادر دیده می‌شود. اینکه مادر چه علائق و مهارت‌هایی را دنبال می‌کند یا می‌آموزد و مهم نیست او در کجای دنیا قرار دارد اما نتیجه‌ی مادری او در رشد شخصیت فرزند و تعالی توانایی‌های او دیده می‌شود.

غیر اشتراکی: در نگاه رایج عرف و سنت به مقوله‌ی مادری، هرچه مادر به‌تنهایی مشغول رسیدگی به کودک باشد و خودش بیشتر کارها را به عهده بگیرد، پسندیده‌تر و ارجح است و نشانه‌ی ارزش‌مندی بیشتر در نقش مادری است. در نگاه سنتی به مادری، اشتراک وظایف مادری و تقسیم آن با پرستار، مهدکودک، پدر یا اطرافیان به‌ندرت مورد تأیید است. در وضعیت جدید مادرانگی، به دلیل وجود فرزندان کمتر در خانواده، دوری محل سکونت از اقوام، خانه‌های کوچکتر و آپارتمانی و دیگر تغییرات شکل خانواده مادر علاوه بر وظایف مادری نقش همبازی کودک را هم به عهده دارد. همپای فرزندش باید بچه شود و نقش‌های متفاوت همبازی را اجرا کند. کودکان تنها و آپارتمان‌نشین امروزی، مدام توجه کامل مادر خود را طلب می‌کنند و مباحث روان‌شناسی نیز بر ارتباط مدام و بازی‌های مادر و فرزند تأکید دارند در گفتمان مسلط مادر ایده‌آل، هرچه مادر نقش‌های بیشتری به‌عهده داشته باشد پسندیده‌تر است مادری که خودش بچه را در خانه نگهداری کند به‌جای اینکه او را به مهد ببرد یا برایش پرستار بگیرد، مادری که به‌جای سرویس خودش رفت‌وآمد فرزند را به عهده بگیرد، به‌جای خرید کیک‌ها و تغذیه‌های آماده، خودش کیک و شیرینی بپزد، بستنی و چیپس و پیتزای خانگی درست کند تا فرزندش هرچه بیشتر تغذیه سالم و بهداشتی داشته‌باشد، کاردستی بسازد، خمیربازی کند، نقاشی بکشد، همراه کودکش در انواع کلاس‌های مادر و کودک شرکت کند، به استخرهای مادر و کودک برود، به‌جای استفاده از قصه‌گوی آنلاین، خودش قصه بگویی و... همه‌ی این موارد که در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان بیان شده‌است، به‌نوعی ابعاد مختلف انتظارات از نقش مادری را توصیف می‌کند و تأکید گفتمانی که نحوه انجام این وظایف زنان را ارزیابی و مادری‌شان را ارزش‌گذاری می‌کند.

در شکل‌گیری گفتمان مسلط مادری علاوه بر مواردی که پیشتر و در خصوص علل ایجاد پدیده مادری زنانه به آن اشاره شد از **"تأثیر رسانه‌ها در تثبیت گفتمان مسلط مادری"** در سطوح وسیع فرهنگی نباید چشم پوشید. تلویزیون، رادیو، سینما، شبکه فیلم‌های خانگی، بیلبردها و رسانه‌های مجازی غالباً بر بازتولید تصویر ایده‌آل از مادر زنانه و سنتی صحنه می‌گذارند. زنانی که یا مادر هستند و فداکار و از خود گذشته و یا در حسرت مادر شدن. مادری که هیچ‌وقت دنبال لذتی برای خودش نیست و در صورت طلاق یا فوت همسر تنها با بچه‌هایش زندگی می‌کند. این الگوی فرهنگی و استاندارد جامعه ما از مادری‌ست. این استانداردها با مشروعیت‌گیری از گفتمان‌های عرف و سنت و مذهب وجه اخلاقی به خود گرفته و همچون گزاره‌هایی بالاترید مورد تأکید قرار می‌گیرند.

از مواردی که منجر به ظهور پدیده سویه مقابل طیف یعنی مقاومت در برابر گفتمان مسلط مادری شده‌اند، می‌توان از **"ناخشنودی‌های مادرانه"** و **"تحول سبک زندگی و نگرش زنان نسبت به خود"** نام برد. سختی‌های جسمی و روحی و فشارهای مسئولیت مادری و احساس طردشدگی و نادیده گرفته شدن مادر در جایگاه یک انسان پس از تولد کودک (استحاله زن در مادری)، همراه با دیگر تحولاتی از جمله حضور کمتر یا زمان محدودتر حضور مادر بزرگ‌ها و دیگر اعضای فامیل برای کمک به

مراقبت از کودک (به واسطه پررنگ شدن مرزهای حریم شخصی و خانوادگی)، همگی شرایط سخت‌تری در ایفای وظایف مادری و رعایت استانداردهای مادری را برای زنان ایجاد کرده‌است.

تفاوت سبک زندگی، نحوه گذران اوقات فراغت، انتظارات از زندگی مشترک و همسر و فرزند، اعتقاد به فعالیت اجتماعی بیشتر زن چه از جنبه شغلی و مادری و چه پیگیری علایق شخصی، افزایش حضور در فضای مجازی و تغییر در باور به وجود مرز ثابت میان وظایف زنانه، مردانه و به طور کلی تغییر در نگاه سنتی به تعریف وظایف زنانه، باعث تحول در سبک زندگی و نگرش زنان نسبت به خود شده تا مادری را به نحو متفاوتی اجرا کنند.

هرچه **هراس های اخلاقی مادرانه** به عنوان عامی مداخله‌گر حضور پررنگ‌تری داشته باشد، گفتمان مسلط مادری نیز سلطه‌ی بیشتری خواهد یافت. این تابوها بسیارند: ترس از تغذیه‌ی نوزاد با شیر خشک تا وابستگی شدید به کودک و هراس از جدایی و فاصله‌گرفتن از او و دیگر اضطراب‌ها و فداکاری‌های افراطی و وسواس‌گونه در رشد و پرورش کودک؛ که ذیل نگرانی‌های مادرانه ستوده و ارج گذاشته می‌شود. "**نوع تعلق گفتمانی (سنتی/مدرن)**" و "**پیشینه تربیتی فرهنگی خانواده**" هم به عنوان عوامل زمینه‌ساز، می‌تواند در پذیرش و یا مقاومت در برابر گفتمان مسلط مادری موثر باشد.

استراتژی‌ها و پیامدها

زنان با به‌کارگیری "**تعلیق موقت و مقاومت فعال**" در موقعیت‌های خاص، وظیفه مادری خود را به تعویق انداخته یا از نقش فاصله می‌گیرند و با اولویت دادن به آرامش و راحتی خود و یا عقیده و نظر شخصی‌شان در پرورش کودک، در مقابل هژمونی گفتمان مادر ایده‌آل مقاومت می‌کنند. مثال‌های زیادی از این مقاومت‌های موقتی در صحبت‌های مادران شنیده می‌شد: "چقدر باید بیخوابی بکشم و نصف شب بین اتاق خودم و بچه در رفت و آمد باشم که حتما بچه تو اتاق خودش بخوابه و مستقل بار بیاد. بعضی شب‌ها می‌گم گوربابای هرچی روانشناسه و بچه رو میارم تو تخت خودمون و تا صبح با لذت و آرامش می‌خوابیم" این مادران با بازاندیشی در مادری و کاربست استراتژی "**مادری خودبنياد**" اجرای متفاوتی از نقش مادرانه دارند که با آنچه در گفتمان مسلط از آنان مطالبه می‌شود همراستا نیست و بر مبنای معیارهای خودشان تعریف شده‌است.

"**مادری بازاندیشانه و چندوجهی**" مهم‌ترین پیامد واگرایی/اگسست در گفتمان مسلط مادری است که از ویژگی‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

درون معیار و خودبسنده: مادران با مقاومت در برابر وجوهی از گفتمان مسلط به‌جای آنکه در اصول مادری به معیارهای بیرونی توجه داشته باشند آنچه را که ناشی از سبک زندگی و نگاه و تجربه‌ی خود آنان به مقوله‌ی مادری است معیار قرار می‌دهند.

اشتراکی، فراجنسیتی، چندوجهی و دوسویه: در این نگاه، مادری فراجنسیتی به جای مادری صرفاً زنانه، به اشتراک گذاشتن وظایف مادری با افراد دیگر و بهره بردن از امکانات مدرن مادری دیده‌می‌شود. ویژگی بارز این مادرانگی چند وجهی بودن آنست؛ یعنی خواسته‌های فردی مادر نیز مشروعیت دارد. همزمان وجوه و ابعاد شخصیت انسانی زن/مادر و فرزند از اهمیت برخوردارند.

۶- نتیجه‌گیری

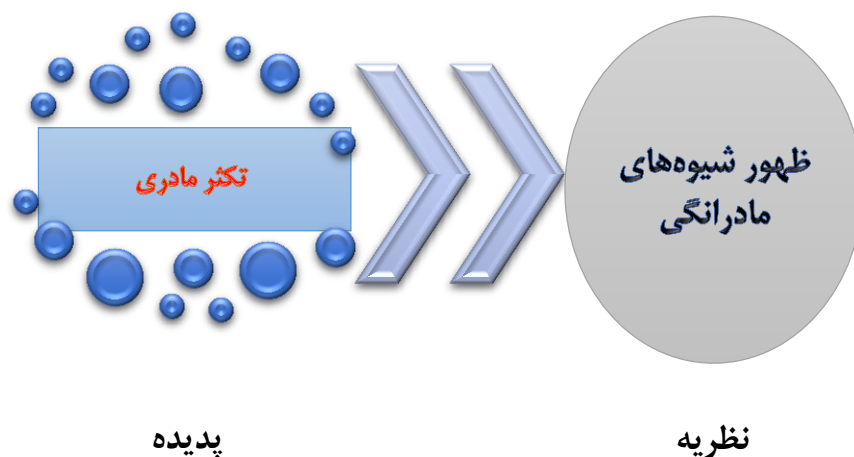
دلالت‌های معنایی مفهوم مادری زنانه و انتظارات از این نقش بیشتر از آنکه بر تجارب شخصی و درونی فرد استوار باشد، از گفتمان‌های متعدد و ساختارهای اجتماعی و بیشتر مردم‌محورانه مسلط بر نقش مادری برگرفته شده‌است. زنان (مادران) بیش از این که

نقش سوژگی خود را در انجام این نقش ایفا کنند بیشتر ابژه‌هایی هستند اجراکننده آنچه از تربیت دوران کودکی در وجودشان نهادینه شده است. با وجود آنکه برخی از مصاحبه‌شوندگان به زانه انگاری مادری اعتقادی نداشتند، اما اسطوره "مادری، نقشی زانه" از جایگاهی استعلایی و مرکزی در ذهن مصاحبه‌شوندگان برخوردار بود. با این حال، خودآگاهی از ساختارهای مسلط و بیرونی ایجادکننده گفتمان مسلط مادری و احساس نیاز به تغییر این رویکرد از سوی طیف مخالف و به‌ویژه مادران شاغل به‌صورت برجسته مطرح گردید. این برداشت منجر به بازبینی و بازنگری در نحوه ایفای این نقش، گسست‌هایی را در اجرای نقش مادری سنتی ایجاد کرده‌است.

"تکثر در مفهوم مادری" به عنوان پدیده مرکزی این پژوهش از میان چهار پدیده‌ی مورد بررسی حاصل شده‌است. این مفهوم، امکانی را فراهم می‌نماید تا مادری از نقش تاریخی و استعلایی خویش رها شود و به امکان‌های نوینی در جهت نیل به جنسیت‌زدایی از مادری دست یابد و به مادری کردن خودبسنده و چندوجهی بیانجامد. سبک‌های نوینی از مادری که صرفاً زانه و فرزندمحور نیست و مادر نیز توانایی بالندگی شخصی و اجتماعی در کنار فرزند پروری را داراست. بنابراین میل به ایجاد تکثر در مفهوم مادرانگی و تنوع در شیوه‌های مادری کردن و گفتمان‌های متفاوت در جهت گسست گفتمان‌های مسلط، می‌تواند راهی به تحرک بیشتر زنان در جامعه باز نماید.

تکثر در مفهوم مادری به‌مثابه‌ی پدیده‌ی مرکزی برآمده از تحلیل داده‌ها، ما را به نظریه‌ی ظهور شیوه‌های مادرانگی ۱ رهنمون می‌شود. این نظریه عزیمتی است از «مادر بودن-مادری» به «مادری کردن-مادرانگی». (شکل ۴) حرکت از رویکردهایی که مادری را زانه و دارای اصالتی ذاتی می‌پندارند و گفتمان‌هایی که در طی قرون بر این امر صحنه گذاشتند، به سمت شیوه‌های مادرانگی که با زانه‌دانستن مادری و هر نوع گفتمانی که بخواهد زن را تحدید کند، مرکزیت‌زدایی می‌کند و مادری کردن را امری سیال و پویا و متکثر می‌دانند که با انتخاب آگاهانه سوژه می‌تواند آشکال و شیوه‌های متفاوتی داشته باشد و الزاماً نیز امری زانه نیست.

هرچند "اسطوره مادری نقشی زانه" و همچنین "گفتمان مسلط مادر ایده‌ال" در پی آن است که مادر را در همان مرزهای متعارف تعریف و بازتولید نماید، نتایج حاصله مؤید این نکته است که باوجود فشارهای ساختاری، مادری می‌تواند صورت‌بندی‌های دیگری بپذیرد که با صورت‌های ماقبل خود نه‌تنها متفاوت، بلکه در تعارض هم باشد. بررسی سبک‌های مختلف و متفاوت مادری می‌تواند روشن‌کننده زوایایی باشد که چگونه زنان در تقابل با فشار گفتمانی، زیست حیات دیگری شکل می‌دهند و معنا می‌بخشند. شیوه‌های مادرانگی ارتباطی بینا-تعاملی میان زوجین است که بر اساس وضعیت کنونی و شرایط میان زوجین تعریف می‌شود. بنابراین شیوه‌های مادرانگی مدام خود را با وضعیت‌های لحظه‌ای به‌روز خواهد کرد. این شیوه نه مادری را زانه به کار می‌گیرد و نه آن‌که به‌کل از نقش زنان سلب مسئولیت می‌نماید. شیوه‌های مادرانگی نظریه راهی میان طیف بوده و برخورداری از سهم زندگی شخصی برای هر یک از طرفین در این نظریه قابل پوشش است.



شکل ۴- عزیمت از پدیده به نظریه

۷. منابع

- اعزازی، شهلا، میرزا نژاد، مریم، ۱۳۸۸. «بررسی تجربه مادری در میان زنان جوان». مطالعه موردی: شهرستان جویبار» پایان نامه. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- امیر مظاهری، امیرمسعود، شریفی، منصوره. ۱۳۹۰. «بررسی جامعه‌شناختی ورود زیست‌فناوری‌های باروری به مقوله مادری». مطالعات جامعه‌شناسی: پاییز ۱۳۹۰. شماره ۱۲.
- باتلر، جودیت، ۱۳۸۵، آشتگی جنسیتی، امین قضایی، نشر مجله شعر.
- تانگ، رزمی، ۱۳۸۷، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی
- ذکایی، محمد سعید. قاراخانی، معصومه. ۱۳۸۵. «بررسی گرایش دخترهای جوان به ارزش‌های زنانگی». پایان‌نامه دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- رستگار خالد، دلاوری، مژده. ۱۳۹۱. «تحول نگرش دختران نسبت به نقش مادری». همایش مادری و زن تراز انقلاب اسلامی.
- فریدمن، جین، ۱۳۸۱، فمینیسم، فیروزه مهاجر، نشر آشیان.
- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۱، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
- فریدان، بتی، ۱۳۹۲، رازوری زنانه، فاطمه صادقی، هما مداح، علی عبدی، مهدی مجتهدی، حسین ورجاوند و یاشار گرمستانی، تهران، نشر نگاه معاصر.
- مک آفی، نوئل. ۱۳۸۵، ژولیا کریستوا، مهرداد پارسا. تهران، نشر مرکز.
- Amir mazaheri, Amir masoud, Sharifi, mansoore, 1390, "sociological investigation of the entry of reproductive biotechnologies into the category of motherhood". Sociological studies. No12 . (in Persian)
- Brickell, Chris (2006), "The sociological construction of gender and sexuality", The Sociological Review 2006, Pp 87-113
- Butler, Judith, 1385, Gender Trouble, Ghazaei Amin, Poetry Mag. (in Persian)
- Ezazi, shahla, mirzanejhad, Maryam, 1388, " Maternal Experience Among young Women: subject: jooybar" ". Thesis of Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (in Persian)

- Firestone ,Shulamith. 1970. «The Dialectic of sex» New York: Bantam Books.
- Freedman, Jane. 1381, Feminism, firooze mohajer, ashian. (in Persian)
- Friedan Betty, 1392, Feminine Mystique, Fateme Sadeghi, Homa Madah, Ali Abdi, Mehdi Mojtahedi, Hosein vrjavand, Yashar Garmestani, Negahe Moaser . (in Persian)
- Jeremiah, Emily .2006 “Motherhood to Mothering and Beyond” Maternity in Recent Feminist Thought. Journal of the association for research on mothering
- Kessler, S., & McKenna, W. 1978. Gender: An Ethnomethodological Approach. Chicago, IL: University of Chicago Press
- Moshirzade homeira, 1381, From movement to social theory, Tehran, shiraze. (in Persian)
- Noelle McAfee, 1385, Julia Kristeva, Mehrdad Parsa, Tehran, Markaz . (in Persian)
- Oakley ,Ann. 1975. Becoming a mother. New York: Pntheon books.
- Ruddic. S. 1989, Maternal Thinking: Toward a Politics of Peace, Beacon Press
- Rastegar, Khaled, Delavari, mojhde,1391, “Transformation of girls' attitude towards motherhood”. Conference on motherhood and women: level of the Islamic revolution. (in Persian)
- Tong,Rosemarie,1387, Feminist thought a comprehensive introduction, Najmaraghi manijhe, Tehran, ney . (in Persian)
- Candace and Zimmermant ,Don 1978, "Doing Gender" Gender and Society West.
- Zokaei mohammad saied, gharakhani masoome, 1385. Investigating the tendency of young girls towards the values of femininity". Thesis of Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (in Persian)